

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره دوم-تابستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۸

## معرفی بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی و غزل او بر اساس تصحیح نسخ

### خطی غزلیات وی

(ص ۱۰۰-۸۳)

مریم ایرانمنش (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، دکتر اسحاق طغیانی<sup>۲</sup>، دکتر محمود مدبری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷

#### چکیده

بررسی آثار و شناخت متفکران و شاعران بزرگ، ما را در شناخت هر چه بیشتر بنمایه‌های فکری آنان کمک میکند. از جمله این شاعران بزرگ میتوان به بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی شاعر توانا و مشهور پایان عهد تیموری اشاره کرد. هلالی یکی از بهترین غزلسرایان ایران و یکی از بزرگترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. سبک او عراقی دوره تیموری (عراقی - مکتب وقوع) است. آثار هلالی عبارتند از ۱- دیوان اشعار که خود شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و رباعیات است. ۲- مثنوی شاه و درویش (شاه و گدا) ۳- مثنوی صفات العاشقین ۴- مثنوی لیلی و مجنون. او در غزلیاتش از حافظ شیرازی و امیر خسرو دهلوی و سعدی تأثیر پذیرفته است. مثنوی شاه و درویش خود را به وزن هفت پیکر نظامی، صفات العاشقین را به وزن خسرو و شیرین و لیلی و مجنون خود را به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده است. این مقاله، یک پژوهش بنیادی است که به روش استنادی و کتابخانه ای گردآوری شده است و با آوردن برخی از ویژگیهای سبکی این شاعر در سرودن غزلیات، بر آن است که دلایل شهرت او را در میان مردم و نسخ خطی متعدد دیوانش را بیان کند. از مهمترین دلایل شهرت او میتوان به غیر درباری بودن و مردمی بودن شعرش، زبان ساده نزدیک به محاوره، آزاداندیشی و تقلید از شاعران بزرگ، اشاره کرد.

**کلمات کلیدی:** سبک شناسی، هلالی، غزلسرایی، سبک عراقی، مکتب وقوع، آثار هلالی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان [iranmanesh@uk.ac.ir](mailto:iranmanesh@uk.ac.ir)

<sup>۲</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

<sup>۳</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## ۱- مقدمه

در میان آثار بر جای مانده پیشینیان، دیوان هلالی از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دیوان او بارها چاپ شده و بیش از بیست نسخه خطی از دیوانش در کتابخانه‌های ایران موجود است. بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی، از شاعران پایان عهد تیموری و از بهترین غزلسرایان ایران و بزرگترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم است. او شاعری آزاداندیش و مردمی است و اکثر غزلهایش همچون غزلهای حافظ به دل مینشیند.

دیوان هلالی در سال ۱۳۳۷ توسط استاد سعید نفیسی، در سال ۱۳۸۹ بعنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای حسین امانی و در سال ۱۳۹۰ توسط آقای علی اصغر طاهری تصحیح و چاپ شده است که هر کدام از آنها دارای اشکالاتی است که با توجه به شهرت هلالی و غزلیات لطیف او، انجام نسخه‌ای دقیقتر و صحیحتر و علمی را ایجاب میکند.

در این مقاله که به روش استنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است برآنیم که دلایل شهرت او را در میان مردم و نسخ خطی متعدد دیوانش را بیان کنیم. هلالی همچون دیگران، بی تأثیر از اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ادبی زمان خود نبوده است؛ پس بهتر است قبل از ورود به بحث اصلی، مختصری این اوضاع را بیان کنیم.

## ۱-۱- اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

تمدن ایران را در عهد تیموریان باید دنباله تمدن عهد خوارزمشاهیان و مغول دانست که اساس آن همان تمدن سامانی و سلجوقی است. زبان دربار تیموریان زبان فارسی بود و بسیاری از سلاطین و شاهزادگان تیموری به زبان فارسی شعر میگفتند و خود تیمور هم با شعر و ادب فارسی بیگانه نبود.

با در گذشتن تیمور در سال ۸۰۷، شاهرخ کوچکترین پسر تیمور، با کفایت و تدبیر، عدالت و صلح‌جویی، پس از پدر، قریب نیم قرن در ایران فرمان راند. در این دوره اوضاع اقتصادی نسبت به دوره تیمور رونق یافت و شهرهای هرات، سمرقند، تبریز و شیراز آباد شدند. مساجد، خانقاهها و مدارس بسیار در کشور ساخته شد و شیعیان در پیروی از عقاید خود و اشاعه افکار خویش آزادی داشتند و در نیمه دوم قرن نهم از حمایت سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند و مدیرش امیر علیشیر نوایی برخوردار شدند.

"با مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ (در سن ۷۲ سالگی) ممالک بازمانده تیموری بطور کلی تجزیه گشت." (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴، ص: ۸)

## ۱-۲- اوضاع ادبی

نخستین نکته‌ای که در شعر و شاعری این دوره در نظر می‌آید رواج، انتشار و عمومیت آن است. زبان شعری دوره تیموری نسبت به ایام گذشته هر چه بیشتر به زبان مردمی و محاوره‌ای نزدیک شد. زیرا شعر این دوره خاص دربار نبود و به درون مردم کوچه و بازار کشیده شده بود. از دلایل رواج شعر در این دوره میتوان به شعر دوستی امرا و شاهزادگان تیموری و تعدد دربارهای طالب آثار شعرا اشاره کرد.

"شاهرخ در دوره پنجاه ساله خود که مردی دیندار، عادل، صلح جو، بخشنده و دوستدار علم و ادب و حامی عالمان و ادیبان و خواهان آبادی بود، هرات را که مقر حکومتش بود، بصورت مرکزی فعال برای ادبیات و علوم و هنر درآورد و آنرا محل اجتماع ادیبان و شاعران و ... ساخت و تألیف کتب را تشویق کرد و باعث رونق ادبیات و هنر در عهد تیموری شد". (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴، ص: ۷)

"تحقیق در شعر این دوره به دلایل زیر دارای اهمیت است: ۱- در شعر این دوره کیفیات تازه‌ای پدید آمد که میتوان آن را مقدمه ظهور سبک معروفی که به سبک صفوی یا هندی مشهور است، دانست. ۲- این دوره را آغاز انحطاط شعر فارسی شمرد. ۳- این دوره را شروع رواج اشعار مذهبی شیعیان خواند." (شعر فارسی در عهد شاهرخ، مقدمه، ص: ۱۰-۸)

## ۲- بحث

بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی از شاعران پایان عهد تیموری است. ابتدا مشخصات فردی و سپس آثار و برخی از دلایل تشخیص او را بیان میدارد.

### ۲-۱- نام، وجه تسمیه

بدرالدین هلالی جغتایی در استرآباد گرگان متولد شد و پس از پرورش در آنجا، گویا در سن دوازده سالگی وارد هرات شد و کار درس خواندن را دنبال کرد و به دستگاه سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیر نوایی راه یافت.

در پاورقی کتاب تذکره شمع انجمن چنین آمده است: بدرالدین هلالی استرآبادی جغتایی، شاعر مشهور و توانای عهد تیموری است. ولادت و نشو و نمایش در استرآباد بود. سام میرزا و امیر علیشیر نوایی را از نزدیک دیده و چون بیتی را برای علیشیر خوانده، او میپرسد که نخلص تو چیست؟ هلالی میگوید که "هلالی" امیر علیشیر میگوید: بدری! بدری! (تذکره شمع انجمن، ص: ۸۱۰)

در همه متون نام او را بدرالدین آورده اند و در دو متن هلالی را با اسم نورالدین قید کرده‌اند. ۱- کتاب تاریخ حبیب‌السیر است که چنین آمده است: مولانا نورالدین هلالی زبده شعراء زمان و عمده بلغاء دوران است و قصاید و غزلیات و مثنویاتش اکثر اوقات در کمال سلاست و بلاغت بر صفحه

ظهور می‌آید. ( حبیب‌السیّ، ص: ۳۶۲ و ۳۶۱ ) ۲- نورالدین استرآبادی (مقتل ۹۳۶ ه ق - ۱۵۲۹ م)  
(وی به سبب انتساب به ترکان جغتای به جغتایی مشهور شده... ( فرهنگ فارسی معین )

## ۲-۲- تاریخ تولد، تاریخ وفات، محل دفن

هلالی در استرآباد (گرگان کنونی) متولد شده و تاریخ تولد او مشخص نیست و در کتابها و تذکره‌ها فقط به سال وفات او اشاره شده است.

هلالی اگرچه اصلش ترک است اما چون در استرآباد متولد گردیده و در آن آب و هوا نشو و نما یافته همواره در ضمن آن نوشته میشود. (هفت اقلیم، ص: ۱۰۹)  
به گفتهٔ یان ریپکا خاورشناس بزرگ غربی، گویا در سن ۱۲ سالگی وارد هرات شده است. (تاریخ ادبیات ایران، ترجمهٔ کشاورزی، ص: ۵۱۸)

"چون عبیدالله خان بر خراسان استیلا یافت، هلالی را ملازم خود ساخت. ساعیان رسانیدند که او رافضی است و هجو خان نیز گفته، فرمان قتل او صادر شد. پس از آنکه بیجرمی مولانا هلالی و خونریزی ناحق بر عبیدالله خان ثبوت یافت، سخت ندامت کشید و روزی به تصور همین مقدمه، دیوانش برگشاد، سر صفحه این بیت به نظر رسید:

ما را به جفا کشته پشیمان باشی      خون دل ما ریخته حیران باشی  
( تذکرهٔ شمع انجمن، ص: ۸۱۱ )"

هلالی پس از زوال سلطنت بایقرا در اوایل عهد صفوی هنگام حملهٔ عبیدالله خان ازبک به جرم تشیع در چارسوی هرات به سال ۹۳۶ ه. ق کشته شد. آرامگاه هلالی در بالاحصار هرات بنا شده است.

## ۲-۳- مذهب هلالی

هلالی شیعه است و در اشعارش هر جا که مناسب بوده ابیاتی را در مدح پیامبر، امام حسن، امام حسین و ... آورده است. این قطعه از اوست:

محمد عربی آبروی هردوسرا      کسی که خاک درش نیست خاک بر سر او  
شنیده‌ام که حکایت نموده همچو مسیح      بدین حدیث لب لعل روح پرور او  
که من مدینه علمم علی دراست مرا      عجب خجسته حدیثی است من سگ در او  
(روضه‌الصفای ناصری، ج ۸، ص: ۷۰۴۶)

نیز در قصیده‌ای به ستایش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پرداخته است:

گفت فلک نیست این بلکه در ایوان عرش      چتر سعادت زدند بهر حسین و حسن  
مهر و مه از دست آن لعل و در بحر و کان      سرو و گل از آب این جان و دل مرد و زن

شیفته باغ آن غنچه خضر الیاس  
کاش ز خاک هرات بر لب آب فرات  
سوخته داغ این لاله خونین کفن  
بختی بخت افکند رخت من و بخت من  
ماه جمال حسن گفت و کمال حسین  
نظم هلالی گرفت حسن کلام حسن  
(اظهار اعتقاد به تشیع و ...، ص: ۲۰۷)

در اینکه هلالی شیعه بوده تردیدی جایز نیست، چه آنگاه که منعی در اظهار عقیده خود نمیدید از مدح ائمه شیعه بازنمیایستاد مثلاً در قصیده:

تخت مرصع گرفت شاه ملمع بدن  
جیب مرقع درید شاهد گل پیرهن  
ولی در این راه تعصبی نمیورزید و شاید اشاره سام میرزا به پیش آمد عجیب او آخر عمر او یعنی اشتها وی به تسنن نزد شیعه و به تشیع نزد اهل سنت بعلت همین عدم تعصب و نیز عدم دخالتش در تظاهرات آن دو فرقه بر ضد یکدیگر بوده باشد. (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص: ۴۳۴)

#### ۲-۴- آثار هلالی جغتایی

##### ۲-۴-۱- دیوان اشعار (غزلیات، قصاید، مقطعات، رباعیات)

بدرالدین هلالی جغتایی یکی از بهترین غزلسرایان ایران در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. هلالی یکی از سرآمدان مکتب وقوع است و ویژگیهای شعر وقوع و تیموری در غزلهایش به فراوانی دیده میشود مانند عاشق بدبخت، خوار و خفیف در حد سگ معشوق، دوستدار جفا دیدن از معشوق و لذت بردن از این امر و... او در غزلیاتش در عین حال که از حافظ شیرازی، امیر خسرو دهلوی، سعدی و نظامی تأثیر پذیرفته است، همواره در پی این بوده که غزلهای روان و ساده، مناسب با فهم عموم بسراید.

هلالی شاعری شیعه، آزاد اندیش و غیر درباری و زبان شعری او مردمی است، غزلهای او ساده، مستقیم و تک معنایی است. اکثر غزلهای او هفت بیت دارد و تخلص در بیت آخر است. بیش از هشتاد درصد غزلهایش دارای ردیف فعلی است. در غزلهای خود از اوزانی استفاده کرده که نزدیکترین وزنها به طبیعت کلام عادی و طبیعی است. او شاعری برونگراست و موضوع غزلهایش عشق، فراق و هجران است و همواره به وصال، امید دارد. غزلهای او غنایی عاشقانه و شورانگیز است و در ضمن دیدگاههای عرفانی، اخلاقی و مذهبی او در غزلهایش دیده میشود. معشوق در غزلهای او زمینی و مذکر است و همواره در اشعارش به قد و زیبایی معشوق اشاره دارد.

- بعنوان مثال در یکی از غزلهای هلالی برای معشوق مذکر چنین آمده:

نی پیر فلک دیده و نی مادر ایام  
صد بار ز هجران تو جانم به لب آمد  
ای تازه جوان همچو تو زیبا پسری را  
یکبار ز وصل تو ندیدم سحری را

-درمیان اشعار هلالی میتوان به بیت‌های زیادی اشاره کرد که ساده و شیوا سروده شده است. مانند گریه‌ای کردم و از گریه دلم تسکین یافت آه اگر گریه نمی‌بود چه میکردم آه دیوان اشعار هلالی شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و رباعیات است و بیش از سه هزار بیت شعر دارد. دیوانش بیش از ده نسخه خطی نزدیک به زمان خود شاعر دارد و بیش از بیست نسخه خطی در قرن‌های مختلف داشته و دو نسخه چاپی در کانپور هند دارد که این تعداد نسخه و چاپ‌های متعدد دیوان او یکی از دلایل شهرتش در میان مردم است؛ زیرا او شاعری مردمی و غیر درباری بود.

دیوان غزلهای غنایی او که درونمایه بیشترین آنها عشق است در میان نوشتارهایش اهمیت بسزایی دارد. (تاریخ ادبیات ایران، ترجمه سری، ج ۲، ص: ۸۶۳)

او در غزلهایش علاوه بر مضمونهای عشقی و بر خلاف سنت‌های معمول، از موضوعهای انتقادی و انگیزه‌های زندگی شخصی خود نیز بهره برده است.

غزلهایی که هلالی آنها را با سبک مصنوع سروده، اندوه عشق، مضمونی استعاری است برای نمایاندن اندوه او از شرایط حاکم. (تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کشاورزی، ص: ۴۱۷)

هلالی در غزلیات خود از شاعران بزرگی همچون حافظ و امیر خسرو دهلوی و سعدی تأثیر پذیرفته است. بعنوان مثال:

هلالی:

سعی کردم که شود یار ز اغیار جدا  
گر جدا مانم ازو خون مرا خواهد ریخت  
امیر خسرو دهلوی:

آن نشد عاقبت و من شدم از یار جدا  
دل خون گشته جدا دیده خونبار جدا  
چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا  
مردمی کن مشو از دیده خونبار جدا  
هلالی:

ابر میبارد و من میشوم از یار جدا  
دیده از بهر تو خونبار شد ای مردم چشم  
در خرابات مغان هوش مجوید ز ما  
حافظ:

هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد  
هلالی:

اما چه کنم قوت گفتار ندارم  
گفتم چو بیایی غم خود با تو کنم شرح  
سعدی:

چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی  
گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم

تأثیر پذیری او از شاعران بزرگ خود یکی از دلایل شهرت او در میان مردم است .  
- او در اشعارش میگوید که انسان باید همه تلاشش را برای رهایی از بدبختی و نابسامانی، بکار برد. سادگی بیان، ارزش هنری و موزونی شعرهایش باعث شده که غزلهای او پس از پانصد سال در یاد مردم زنده نگاه داشته شود .

- او در بخش مقطعات و رباعیاتش پند و اندرز دارد و مخاطب را به ترک دنیای فانی تشویق و به عیش و طرب دعوت میکند:

جهان و هر چه در او هست پایدار نماند      بیار باده که عالم به یک قرار نماند  
- هلالی جغتایی ۴۴۳ غزل دارد که تعداد ۳۹۷ غزل را در شش وزن، سی و شش غزل را در شش وزن و ده غزل را در وزنهای دیگر سروده است .  
شش وزنی که ۳۹۷ غزل او را در برمیگیرد عبارتند از:

وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ( بحر رمل مثنی محذوف) صد و شانزده غزل  
وزن فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن ( بحر رمل مثنی مخبون محذوف) هشتاد و هفت غزل  
وزن مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن ( بحر مضارع مثنی اخری مکفوف محذوف) شصت و یک غزل  
وزن مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن ( بحر مجتث مثنی مخبون محذوف) پنجاه و سه غزل  
وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ( بحر هزج مثنی سالم ) پنجاه غزل  
وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن ( بحر هزج مثنی اخری مکفوف محذوف) سی غزل

در شش وزن دیگر فراوانی غزل بین یازده تا سه غزل میباشد که سی و شش غزل را در برمیگیرد:  
وزن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن ( بحر مضارع مثنی اخری ) یازده غزل  
وزن مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن ( بحر رجز مثنی مطوی مخبون) هشت غزل  
وزن مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن ( بحر مجتث مثنی مخبون ) شش غزل  
وزن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن ( بحر رجز مثنی سالم ) پنج غزل  
وزن فاعلاتن مفاعیلن فعلن ( بحر خفیف مسدس مخبون محذوف ) سه غزل  
وزن مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن ( بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف ) سه غزل

در دو وزن دارای هر یک ، دو غزل میباشد و از بقیه اوزان، شش غزل، هر کدام یک غزل را شامل میشود که از ذکر آنها بدلیل طولانی شدن مطلب خودداری شده است. مثلا در میان غزلهای او فقط یک غزل به وزن فعولن فعولن فعولن فعولن ( بحر متقارب مثنی سالم ) سروده شده است با این مطلع :

اگر چون تو سروری ز جایی برآید      شود رستخیز و بلایی برآید

مطالب مربوط به اوزان در این بخش از کتاب عروض و قافیه شمیسا آورده شده است .

### نسخ خطی دیوان هلالی جغتایی و تصحیح آن

بدرالدین هلالی جغتایی شاعر توانا و مشهور پایان عهد تیموری است که یکی از بهترین غزلسرایان ایرانی و از بزرگترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم است . دیوان هلالی در سال ۱۳۳۷ توسط استاد سعید نفیسی چاپ شده است که این چاپ با استفاده از دونسخه از چاپ کانپور هند مربوط به قرن سیزدهم که مغلوط هستند و چهار نسخه خطی دیگر که مربوط به قرنهای سیزدهم و چهاردهم هستند؛ تصحیح شده است و همچنین این چاپ نسخه بدل ندارد و مشخص نیست که هر کدام از ابیات از کدامیک از نسخه‌های استفاده شده انتخاب شده‌اند و همچنین بسیاری از غزلها در هیچ یک از نسخه‌های خطی به جز چاپ نفیسی موجود نیست که این اشعار جزو ملحقات این چاپ لحاظ میشوند؛ که با توجه بهمه این موارد این دیوان نیاز به تصحیح مجدد دارد.

در سال ۱۳۸۹ این دیوان توسط آقای حسین امانی در مقطع کارشناسی ارشد تصحیح شده است که هشت نسخه خطی را مد نظر قرار داده؛ چهار نسخه مربوط به قرن یازدهم و دوازدهم میباشد و چهار نسخه مربوط به قرن دهم که دو نسخه مربوط به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، یک نسخه مربوط به کتابخانه گلستان و یک نسخه مربوط به کتابخانه ملی است که از اشکالات این تصحیح بمراد زیر میتوان اشاره کرد ۱- استفاده نکردن از نسخه‌های خطی معتبری همچون آستان قدس رضوی و شاهچراغ . ۲- استفاده نکردن از همه نسخه‌های مربوط به کتابخانه‌های شورای اسلامی، ملی، گلستان، دانشگاه، وزیری یزد و ... ۳- نسخه‌ای بعنوان اساسی قرار گرفته و موارد زیاد یا کم در مقایسه با این نسخه بصورت جداگانه آورده شده است. در صورتیکه بسیاری از اشعار موجود در این نسخه در هیچ یک از نسخه‌های خطی دیگر موجود نیست و خود این اشعار از الحاقات این نسخه هستند. ۴- اشعار الفبایی نیستند و نمیتوان آن را بعنوان یک نسخه نهایی دیوان هلالی مورد استفاده قرارداد و همانا بدست آوردن صحیحترین شکل ممکن از یک متن - از یک نسخه قدیمی - بدست نیاید. در سال ۱۳۹۰ این دیوان توسط فردی بنام علی اصغر طاهری بچاپ رسیده است که به دلخواه تعدادی از ابیات این دیوان را حذف نموده است که این دیوان مبنای علمی ندارد. باتوجه به شهرت هلالی و غزلیات لطیف او، انجام نسخه‌ای دقیقتر و صحیحتر و علمی را ایجاب میکند تا بتوان بعنوان نزدیکترین نسخه به دیوان اصلی هلالی جغتایی ارائه داد؛ پس تصمیم گرفته شد که تصحیح مجدد این دیوان انجام پذیرد و برای این امر تعداد بیست و دو نسخه خطی فراهم شده از کلیه کتابخانه‌های ایران و چاپ نفیسی ( در جمع ۲۳ نسخه) تهیه و مقایسه شدند و بدلیل



نزدیک بودن تاریخ چندین نسخه به هم، هیچ نسخه‌ای اساس قرار نگرفته که این روش از دقت بیشتری برخوردار است ولی کار تصحیح را به مراتب دشوارتر میکند.

### چند نکته در باب دیوان هلالی چاپ استاد سعید نفیسی

بسیاری از ابیات که در همه نسخه‌ها به یک شکل آمده، در نسخه چاپ نفیسی به شکل دیگری آمده که مشخص نیست بر اساس کدام نسخه ثبت شده است مانند این بیت در هفت نسخه خطی: پس از این به کوی خوبان ز کسی وفا نجویم که دگر نماند یاری که نیازمودم آنجا چاپ نفیسی:

پس از این جفای خوبان ز کسی وفا نجویم که دگر کسی نمانده که نیازمودم آنجا یا این بیت که در یازده نسخه خطی به این شکل آمده:

هرچند که خوبان همه در راه تو خاکند حیفاست که برخاک نهی آن کف پا را چاپ نفیسی:

هر چند که در راه تو خوبان همه خاکند حیفاست که بر خاک نهی آن کف پا را یا این بیت که در هفت نسخه خطی به این شکل آمده:

شبهای هجر بی کسی من غریب نیست کس را تحمل شب هجران من کجاست چاپ نفیسی:

شبهای هجر همچو منی کس غریب نیست کس را تحمل شب هجران من کجاست بعضی از غزلها که در یک نسخه خطی و نفیسی است در نسخه نفیسی ابیاتی اضافه دارد که مشخص نیست از کجا اضافه شده اند. مانند:

در غزلی با این مطلع:

یک دو روزی میگذارد یار من تنها مرا تا به تنهایی کشد امروز یا فردا مرا یا غزلی با این مطلع:

ای شهبسوار حسن سرافراز کن مرا ای من سگت به سوی خود آواز کن مرا بعضی از غزلها فقط در چاپ نفیسی است و در هیچ یک از نسخه‌های خطی نیست. مانند غزلهایی با این مطلع:

نگسلد رشته جان من از آن سرو بلند این چه نخلی است که دارد به رگ جان پیوند یا:

شوق درون بسوی دری میکشد مرا من خود نمیروم، دگری میکشد مرا یا:

تا سلسله زلف تو زنجیر جنون شد وابستگی این دل دیوانه فزون شد

یا:

نهادی بر دلم داغ فراق و سوختی جان را      به داغ و درد دوری چند سوزی دردمندان را

یا :

نخل بالای تو سر تا به قدم شیرین است      این چه نخل است که هم نازک و هم شیرین است

یا:

تا از فروغ روی تو گل کامیاب شد      چون صبح داغ سینه من آفتاب شد

### نکته ای در باب دیوان هلالی نسخه خطی ش ۸۱۷۹ مجلس شورای اسلامی

در این نسخه خطی تعداد زیادی غزل وجود دارد که در هیچیک از نسخه‌های خطی دیگر و حتی در چاپ نفیسی هم نیست. مانند:

غزلهایی با مطلع زیر:

هرگز نشد نصیب که بینم حبیب را	آه این چه طالع است من بی نصیب را
تا کی از چشم افکند آن شوخ بی پروا مرا	نیست دیگر طاقت این ناز و استغنا مرا
تو آفتابی و حسنی است بر کمال تو را	خدا همیشه نگه دارد از زوال تو را
ای اهل حسن جور و جفا میکشیم ما	اینها برای حسن شما میکشیم ما
به چشم قهر مبین در گناه کاری ما	به لطف خویش ببین و به شرمساری ما
یار را در صحبت اغیار دیدن مشکل است	گل خوش است اما جفای خار دیدن مشکل است
بیدلی را با رقیبان کار دشواری فتاد	دردمندی را به بی دردان عجب کاری فتاد
روز عمرم زغم هجر به ماتم گذرد	حیف از آن عمر شریفی که در این غم گذرد
دوش مطرب در چمن وصف رخت بنیاد کرد	گل گریبان چاک زد مرغ سحر فریاد کرد
یارب مه من شیوه الطاف کجا شد	این ظلم چرا میروود انصاف کجا شد
غباری بر سرم از جانب آن آستان آمد	غلط گفتم که ابر رحمتی از آسمان آمد

### نسخه خطی آستان قدس رضوی

در این نسخه غزلهایی هستند که در نسخه‌های دیگر موجود نیست مانند غزلی با این مطلع :

دودی که دوش بر سر کویش بلند بود      غافل مشو که آه دل دردمند بود

از دیگر محاسن این نسخه صحیح بودن اکثر غزلهای در آن است.

### ۲-۴-۲- مثنوی شاه و درویش

مثنوی شاه و درویش ( شاه و گدا )، بر وزن هفت پیکر نظامی (فاعلاتن مفاعلهن فعلن ) از متفرعات بحر خفیف در ۱۳۴۵ بیت در مورد عشق بی ریای درویشی به شاهزاده‌ای است که هلالی

آن را به نظم درآورده است. این مثنوی سرشت عرفانی و گرایش تند آموزشی دارد و گویای این باور است که مرزهای نابرابری اجتماعی را میتوان از میان برداشت.

این مثنوی شرح عشق غم انگیز درویش به فرمانروای اوست که نمادی از گرایش روح ساده آدمی به خداست. (تاریخ ادبیات ایران ترجمه سری، ج ۲، ص: ۸۶۳) و (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص: ۴۳۵)

از نسخه‌های خطی این مثنوی میتوان به نسخه شماره ۵۲۵/۲ کاخ موزه گلستان استناد کرد که اسم کتاب، دیوان دوازده شاعر است که به خط نستعلیق به سال ۹۶۷ با کاغذ اصفهانی، متن و حاشیه نوشته مذهب مجدول کمند و سرلوح دار با جلد ساغری سیاه نوشته شده است. در این نسخه ابتدا اشعار اهلی شیرازی است و بعد دیوان هلالی شامل غزلیات، رباعیات و مثنوی شاه و درویش، که از صفحه ۲۹۳ - ۱۹۲ مجموعه را دربرمیگیرد و در حاشیه، دور تا دور، دیوان آصفی آمده است. دیوان هلالی در این مجموعه با این غزل شروع میشود:

ای نور خدا در نظر از روی تو ما را بگذار که در روی تو بینیم خدا را  
و از ص ۲۷۶ مجموعه مثنوی شاه و درویش هلالی با بیتهای زیر آغاز میشود:

ای وجود تو اصل هر موجود هستی و بوده‌ای و خواهی بود  
صانع هر بلند و پست تویی همه هیچند هر چه هست تویی  
و با این اشعار به اتمام میرسد:

نظری جانب هلالی کن خاطرش را ز غیر خالی کن  
حشر او با رسول کن یارب این دعا را قبول کن یارب  
والحمد لله رب العالمین آمین

#### ۲-۴-۳- مثنوی صفات العاشقین

مثنوی صفات العاشقین، بر وزن خسرو و شیرین نظامی، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ( بحر هزج مسدس) در ۱۲۳۷ بیت است که مثنوی است عرفانی و اخلاقی دارای بیست باب که با تاثیر از مخزن الاسرار نظامی سروده شده است که هرباب آن یک ویژگی معین آدمی را باز میگوید و اندیشه‌های چشمگیری را عرضه میدارد. به مثل شاعر میگوید که کافر خوب به از مسلمان بد است و بر ستمگران که بر تهیدستان ستم روا میدارند خرده میگیرد. (تاریخ ادبیات ایران، ترجمه سری، ج ۲، ص: ۲۱۰)

در صفات العاشقین در نابینایی و پیر شدن زلیخا در فراق یوسف گوید:

غم پیری سمن بر سنبلش ریخت زآسیب خزان برگ گلش ریخت  
سویه بادام او از جور ایام شد از عین سفیدی مغز بادام  
(دیوان هلالی جغتایی، نفیسی، مقدمه، ص: ۶)

بابهای مثنوی صفات العاشقین عبارتند از: عشق، صدق، وفا، خلق خوش، سخاوت، شجاعت، همت، احسان، تواضع، ادب، اجتناب از نابایسته‌ها، صبر، شکر، توکل، قناعت، کم‌خواری، کم‌گویی، کم-خوابی، عزلت، توحید. (تاریخ ادبیات در ایران، صفاج، ج ۴، ص: ۴۳۵)

از نسخه‌های خطی این مثنوی به نسخه‌ای با شماره ۸۸۲- ف موجود در دانشگاه تهران میتوان استناد کرد که در سال ۹۶۷ ق، در ۱۲۳ برگ، دوازده سطر نوشته شده است.

#### ۲-۴-۴- مثنوی لیلی و مجنون

لیلی و مجنون نظامی سرآغازی برای لیلی و مجنون‌های بیشماری بود که به تقلید از آن سروده شده است. شاعرانی چون امیر خسرو دهلوی، جامی، هاتفی، خرچردی، میرزا محمد قاسم گنابادی و هلالی جغتایی لیلی و مجنون را بازآفرینی کردند. (نقد تحلیلی - تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و ...، ص: ۹۱ و ۹۲).

در لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی عشق زمینی است و مجنون و لیلی دست کم یک شب به مراد دل میرسند. در این روایت اشتیاق لیلی بیش از مجنون است. در روایت جامی، مجنون که جوانی عیاش است عاشق لیلی میشود ولی بکام نمیرسد و مجنون پیش از لیلی میمیرد. (مقایسه چهار روایت ...، ص: ۶۴-۶۷)

مثنوی لیلی و مجنون هلالی که بیش از سه هزار و پانصد بیت دارد. بر وزن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن ( بحر خفیف) است. در این مثنوی هلالی از درونمایه‌ای کهن برداشتی نو بدست میدهد. قهرمان اصلی او لیلی، بانویی با اراده و دلیر است که مردی را که به زور باید با او زناشویی کند؛ نمیپذیرد. (تاریخ ادبیات ایران، ترجمه سری، ج ۲، ص: ۲۱۰) لیلی و مجنون او بر خلاف لیلی و مجنون نظامی با فرجامی خوش پایان مییابد. تاریخ سرودن منظومه لیلی و مجنون هلالی را از بیتی که در نعت پیامبر(ص) آورده میتوان حدس زد:

رفتگی و گذشت نهصد و بیست و یک سال از چو چو  
این هجر هزار ساله از چو چو (زیستن تا ابد، ص: ۱۸)

دو بیت زیر در تعریف لیلی آمده :

پاکیزه تنی چو نقره خام نازک بدنی چو مغز بادام  
چشمش زاغی نشسته در باغ ابروی سبزه او پر زاغ  
( دیوان هلالی جغتایی، نفیسی، مقدمه، ص: )

هلالی بر خلاف بیشترین سخنوران روزگار خود، ستایشگر دربار نبوده. او در پایان مثنوی لیلی و مجنون خود با روشنی هر چه بیشتر بیزاری خود را از شعر درباری نشان داده است.

لیلی و مجنون هلالی با بیت زیر شروع میشود:

این نامه که خامه کرد بنیاد توقیع قبـول روزبـش باد در ادامه این مثنوی، بخشهای مناجات، نعت نبی علیه السلام، صفت معراج، نعت امیرالمومنین علی (ع)، سبب نظم کتاب و... اشعاری آمده است و آغاز اصل داستان لیلی و مجنون با شعر زیر ادامه مییابد:

گوینده این کهن حکایت در قصه چنین کند روایت  
این مثنوی در ادامه دارای بخشهایی شامل: خبر یافتن مادر لیلی از عاشق شدن او، آگاه شدن پدر مجنون از حال او، نصیحت کردن پدر مجنون را، ...، تعریف جاه و حشمت قبیله لیلی و رفتن ابن سلام به خواستگاری لیلی و... مییابد.

مثنوی لیلی و مجنون هلالی بدلیل در دسترس نبودن نسخه، در خیلی از کتابها بصورت شک و تردید جزو آثار هلالی ذکر شده است. نسخه‌ای از این مثنوی ارزشمند در دسترس و در حال بررسی است که بزودی در مجموعه‌ای تحت عنوان مثنویهای هلالی بچاپ خواهد رسید.

#### برخی از ویژگیهای سبکی هلالی در سرودن غزلیاتش

سبک هلالی عراقی دوره تیموری (عراقی - مکتب وقوع) است. او در غزلیاتش گاه از شاعران بزرگی همچون حافظ و سعدی و امیر خسرو دهلوی تقلید کرده است و به شیوه شاعران سبک عراقی شعر سروده و در اکثر غزلیاتش سادگی و ویژگیهای مکتب وقوع دیده میشود. "لازمه شکل‌گیری سبک وجود بسامد بالای مشخصه‌های سبک ساز است و نه کاربرد اندک و رخدادهای اتفاقی در متن" (سبک‌شناسی، فتوحی، ص: ۴۸) پس میتوان به موارد زیر بعنوان مشخصه‌های سبکی دیوان هلالی جغتایی اشاره کرد.

- هلالی از افعال برای ردیف اشعار خود بیشترین استفاده را کرده و می‌توان گفت بیش از هشتاد درصد از غزلیات او ردیف فعلی دارند.

- در اشعار هلالی، سجع، جناس، تکرار (تکرار بصورت دو واژه یکسان در یک بیت و یا بصورت تکرار یک واژه در یک غزل) و تضاد بیشترین بسامد را دارند.

- در غزلیات او بندرت واژه‌های ترکی به چشم می‌خورد مانند: ملتان (قسمتی از کرته و پیراهن). بسیاری از لغات اشعارش برگرفته از زبان مردمی است.

- هلالی در غزلیات خود از اوزانی استفاده کرده که نزدیکترین وزن‌ها به طبیعت کلام عادی و طبیعی است و با آن میتوان براحتی سخن گفت و از وزنهایی که مورد توجه شاعران غنایی است، بیشترین بهره را برده است.

- کاربرد جملات تحسین و شگفتی عربی در اشعار

که از گل و سمن آزرده می شود بدنش  
به دامن سمن و بر کنار یاسمنش  
الله الله با که گویم قصه دشوار خویش  
برآورد از سر نو بر سپهر حسن ماهی را

جلوه حسن و جمالت همه در حد کمال  
سلطان سرپرده چشم و حرم دل

امید نیست کزین ورطه برکنار آید  
کی دگر در دلش اندیشه مرهم گذرد

ورنه خراب میکنی پیر تنک شراب را  
- از نظر فکری هلالی شاعری برونگراست. او در غزلیات خود همواره از غم فراق و هجران سخن گفته است. غزلهای او غنایی عاشقانه است. معشوق او زمینی است. شاعر دچار فراق است ولی به وصال، امید دارد. ابیات غزل به هم مربوط است و غزل وحدت موضوع دارد. او مردی شیعه، آزاد اندیش و ... بوده و در اشعارش علاوه بر مضامین عاشقانه، دیدگاههای عرفانی، اخلاقی و مذهبی خود را آورده است.

- هلالی در غزل عاشقانه شورانگیز بسیار توانا بوده و یکی از بهترین غزلسرایان زبان فارسی بشمار میرود. (تاریخ نظم و نثر در ایران و...، ص: ۴۰۹)

- در غزل عاشقانه دوره شاهرخی، عاشق موجودی محروم و بدبخت است. یکی از مظاهر خفت عاشق و پیمودن طریق اغراق در بیان این خفت، اشعاری است که آنها را به طنز "سگّیه" خوانده‌اند. شاعر در آن آرزو میکند تا سگ کوی معشوق یا معاشر آن باشد. (سیر غزل در شعر فارسی، ص: ۱۴۸)

ای من سگت به سوی خود آواز کن مرا  
بهر آزار سگی رنجه کند بازو را

چه نازکی است تعالی الله آن سهی قد را  
تبارک الله از این سبزه‌ای که تازه دمید  
یار رفت و قصه دشوار من ناگفته ماند  
بحمدالله که صحت داد ایزد پادشاهی را

#### -تابع اضافات

ای تو سرو چمن حسن و گل باغ جمال  
جا کن به دل و دیده که غیر از تو نشاید

#### -ترکیب سازی و واژه سازی

ترکیبهایی همچون موج خیز فراق، تیردل دوز، پیر تنک شراب و ... از ویژگیهای سبکی خاص اوست .

موج خیز فراق  
فتاد کشتی عمرم به موج خیز فراق  
تیردل دوز

تیر دل دوز تو از سینه هر کس که گذشت  
پیر تنک شراب

بهر خدا که ای جوان جام لبالبم مده

ای شهسوار حسن، سرافراز کن مرا  
تیغ بر من چه زنی حیف که همچون تو کسی

نیست حد آن که گویم بنده روی توام  
بندهام خواندی و داغم چو سگان بنهاد  
-عاشق خود را هم پیاله سگ معشوق میداند.  
کاسه کاسه با سگانت میخورم خون جگر  
-عاشق از وصل نصیبی ندارد و حقارت و حرمانش چنان است که از معشوق به نگاهی خرسند است:  
در گوشه غم است هلالی به صد نیاز  
-عاشق، معشوق را شهر آشوب و فتنه شهر میداند.  
چو آن مه فتنه شد در شهر من هم عاقبت روزی  
-عاشق دوست دارد از طرف معشوق جفا ببیند و برایش لذت بخش است .  
اگر چه بر من مسکین بسی جفا کردی  
-عاشق خود را در مقابل معشوق خیلی کم میبیند .  
خود را خس و خاشاک درت گفت هلالی  
-این دنیا دنیای اضداد است و خوب و بد با هم است .  
غیر آن مه که هلالی به وصالش نرسید  
- شعر هلالی ساده، مستقیم و یک معنایی است. اکثر غزلهایش هفت بیت دارد و تخلص در بیت  
آخر است. در اشعار هلالی، آرایه‌های تشبیه، تلمیح و اغراق فراوانتر از بقیه آرایه‌ها دیده میشود.  
تشبیه  
ماه من عید است و خلقی را نظر بر روی توست  
تلمیح  
در لغت: به گوشه چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به  
داستان، مثل، آیه و حدیثی معروف اشاره کند.  
رفتست عزیز من و مکتوب نوشتست  
یوسف خیر خویش به یعقوب نوشتست  
یارب که به من نامه نوشتست هلالی  
عیسی است شفانامه ایوب نوشتست  
ز طوفان سرشک خود به گردابی گرفتارم  
که عمر نوح اگر یابم نبینم روی ساحلها  
اغراق  
در غزلهای عاشقانه مکتب وقوع، معشوق موجودی است بسیار زیبا و مایه خجالت ماه و آفتاب،  
شاعر در وصف معشوق به گفتار ساده قناعت نمیورزد و برای آنکه کمال حسن معشوق و غرابت آن  
را بیان کند، دست به دامن اغراق میزند.

خورشید روی او را نسبت به ماه کردم      زین کارنامناسب شرمندهام ز رویش  
سهی سرو ریاض حسن چون سرسبز و خرم شد      چه نقصان گر خزان پژمرده میدارد گیاهی را

### نتیجه گیری

بدرالدین هلالی جغتایی استرآبادی شاعر توانا و مشهور پایان عهد تیموری است. او یکی از بهترین غزلسرایان ایران و یکی از سرامدان مکتب وقوع است. او شاعری غیر درباری و آزاد اندیش است که زبان شعری او مردمی است، قالب عمده اشعارش غزل و موضوع آنها عشق، فراق و هجران است. دو مثنوی شاه و درویش و صفات العاشقین او عرفانی است. او در اشعارش همواره انسان را به تلاش برای رهایی از بدبختی و نابسامانی، ترک دنیای فانی و عیش و طرب ( غنیمت شمردن فرصتها) تشویق میکند.

هلالی شاعری برونگراست. معشوق او مرد و زمینی است. در حین غم فراق به وصال امیدوار است. عاشق محروم و بدبخت است.

از مهمترین دلایل شهرت زیاد هلالی در عصر خود و دوران بعد میتوان باین موارد اشاره کرد:

۱- هلالی شاعری مردمی و غیردرباری است. در غزلیات او مدح پادشاهان نیست و در بین مردم محبوبیت زیادی داشته است.

۲- زبان شعر او ساده و قابل فهم برای عموم و نزدیک به زبان محاوره است.

۳- حوادث و مصائبی که خاطر ایرانیان را آزرده ساخته و آنها نیاز به اشعاری عاشقانه و محبت آمیز داشتند.

۴- شاهزادگان تیموری که خود شعر دوست بودند و ثروت زیادی از جنگها بدست آورده بودند، خریدار آثار و دیوان شعرا بودند. همین امر باعث شده است که شعر او بارها باز نوشته شود.

۵- هلالی در زندگی خود بسیار آزاداندیش بود.

۶- تقلید او از شاعران مشهوری همچون امیرخسرو دهلوی، حافظ و سعدی خود یکی دیگر از دلایل شهرت اوست. زیرا شعرش بیشتر در ذهن میماند و به دل مینشیند.

### فهرست منابع

#### نسخه‌های خطی

دیوان هلالی جغتایی استرآبادی. (۱۰۶۴). کتابخانه دانشگاه تهران. شماره ۱۱۳۲ ف.

دیوان هلالی جغتایی استرآبادی. (قرن ۹ و ۱۰). کتابخانه مجلس. شماره ۸۱۷۹.

دیوان هلالی جغتایی استرآبادی. (۹۷۹). کتابخانه ملی. شماره ۲۹۰/۲.



### کتابها:

- ۱- تاریخ ادبیات ایران ، ریپکا، یان . (۱۳۷۰). (مولفان : یان ریپکا، اتاکار کلیما، ایرژی بچکا) . ترجمه کیخسرو کشاورزی . تهران : حیدری.
- ۲- تاریخ ادبیات ایران ، با همکاری اتاکار کلیما ... و دیگران . (۱۳۸۲). ترجمه دکتر ابوالقاسم سری . دو جلد. تهران: سخن.
- ۳- تاریخ ادبیات در ایران ، صفا، ذبیح الله . (۱۳۸۳). پنج جلد . چاپ یازدهم . تهران : انتشارات فردوس.
- ۴- تاریخ ایران ، دوره تیموریان . پژوهش از دانشگاه کمبریج ، آژند ، یعقوب . (۱۳۹۰). چاپ چهارم. تهران : جامی.
- ۵- تاریخ روضه الصفاى ناصری ، هدایت ، رضا قلی خان . (۱۳۸۰). تصحیح و تحشیه : جمشید کیان فر . ده جلد . تهران : انتشارات اساطیر.
- ۶- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجر، نفیسی ، سعید . (۱۳۶۳).. دو جلد . تهران : انتشارات فروغی.
- ۷- تذکره شمع انجمن ، بهادر ، سید محمد صدیق حسن خان . (۱۳۸۶).. مقدمه، تصحیح و تعلیق: محمد کاظم کهدویی. یزد: انتشارات
- ۸- حبیب السیر ، خواند میر، میر غیاث الدین محمد. (۱۳۳۳ ش). جلد سوم و چهارم. تهران. بی جا.
- ۹- دیوان هلالی. هلالی جغتایی ، بدرالدین . (۱۳۳۷) . تصحیح و مقدمه : سعید نفیسی . تهران : انتشارات سنایی.
- ۱۰- سبک شناسی ، فتوحی ، محمود. (۱۳۹۲). تهران : سخن.
- ۱۱- سبک شناسی شعر ، شمیسا ، سیروس . (۱۳۷۵).. چاپ دوم . تهران : انتشارات فردوس.
- ۱۲- سیر غزل در شعر فارسی : از آغاز تا امروز ، شمیسا ، سیروس . (۱۳۸۰). چاپ ششم . تهران : انتشارات فردوس.
- ۱۳- شعر فارسی در عهد شاهرخ ( نیمه اول قرن نهم ) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی، یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- فرهنگ فارسی ، معین ، محمد . (۱۳۶۴). ۶ جلد. چاپ هفتم . تهران : موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۵- کلیات سبک شناسی ، شمیسا ، سیروس. (۱۳۷۳). چاپ دوم . تهران : انتشارات فردوس.
- ۱۶- لغت نامه دهخدا ، دهخدا ، علی اکبر . (۱۳۷۳) . زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی . تهران : انتشارات دانشگاه تهران.

- ۱۷- مکتب وقوع در شعر فارسی ، گلچین معانی . احمد . (۱۳۷۴). مشهد : انتشارات دانشگاه فردوسی .
- ۱۸- نسخه خطی دیوان هلالی. ( قرن ده ). آستان قدس رضوی. شماره ۵۷۵۸ .
- ۱۹- هفت اقلیم ، رازی ، امین احمد. ( بی تا). با تصحیح و تعلیق جواد فاضل . ۳ جلد . تهران : موسسه مطبوعاتی علمی.

#### مقاله ها

- ۱- اظهار اعتقاد به تشیع و دعوت بدان در مناقب علوی شاعران شیعی ، ... (از سده چهارم تا چهاردهم هجری )، بابا صفری ، علی اصغر . (۱۳۷۹).. فرهنگ. بهار و زمستان . شماره ۳۳۳۶ . ص ۲۷۸-۲۵۹ . زاهدان . شماره ۱۱ .
- ۲- زیستن تا ابد ، پناهی ، وجیهه . (۱۳۸۵). روزنامه ایران . شماره ۳۵۸۳ .
- ۳- مقایسه چهار روایت لیلی و مجنون نظامی ، امیر خسرو دهلوی، جامی و مکتبی ذوالفقاری ، حسن . ( ۱۳۸۸ ).. فصلنامه پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان . شماره ۱ .
- ۴- نقد تحلیلی - تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجوی ، رضایی اردانی ، فضل الله . ( ۱۳۸۷ ) .. پژوهشنامه ادب غنایی